

چگونه به‌عنوان وکیل دادگستری دفاع مؤثری داشته باشیم؟

عبدالله ساممی / استاد دانشگاه - حقوقدان

پس از انتخاب وکیل و سپردن سیر اداره پرونده به وی، وظیفه وکیل آغاز می‌شود. از این لحظه است که باید مقتدرانه و با علم و آگاهی و دانش حقوقی و اعتماد به نفس کافی وارد موضوع شده و تمام هنر و مهارت خویش را در این راه به کار بندد.

بعد از قبول پرونده و قبل از هر اقدامی بهتر است نمایی کلی از آن را در ذهن ترسیم کند. وقایع و مستندات پرونده را کنار هم بگذارد. چنانچه پرونده قبلاً در محاکم طرح شده باشد، آن را به دقت مطالعه و مدارک و مستنداتش را جمع‌آوری کند. قوانین، آرای وحدت رویه و نظرات مشورتی مرتبط با موضوع را بیابد. یک وکیل باید بتواند مناسب‌ترین روش اقامه دعوا از حیث کیفری یا حقوقی بودن و همچنین عنوان شکایت و یا خواسته را با درایت کامل برگزیند. غفلت، ناآگاهی و تعلل در انتخاب روش صحیح طرح دعوا و عنوان و یا عدم رعایت شرایط شکلی آن می‌تواند منجر به رد دعوا یا دادخواست شود که خود، نشان‌دهنده کم‌تجربگی و ضعف وکیل است. به علاوه موکل محکوم، نیز همواره وکیل خود را فردی نالایق و فاقد استعداد و مهارت و درایت کافی می‌خواند. برای اجتناب از این امر است که باید کوشید تا در کمترین زمان ممکن به دانش و تجربه کافی در دفاع دست یافت.

بدین منظور لازم است قطعات این پازل، به دقت و با زیرکی در کنار هم چیده شوند. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین قطعات، همانگونه که پیش از این نیز اشاره شد، یافتن قوانین و آرای مرتبط با موضوع و انطباق جزء به جزء مواد قانونی و نقاط افتراق و اشتراک آن، با شرایط حاکم بر پرونده و کشف کلید طلایی دفاعیات و بهترین راه حل از لابه‌لای این اجزاست. وکیل باید درک درست و قدرت استدلال و استنتاج بالایی از قوانین و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه داشته باشد.

موارد فوق مربوط به مراحل آغازین اقامه دعواست، اما آنچه در جلسات دادرسی حائز اهمیت است همان‌هاست که وکیل باید با تمرین و ممارست و به صورت حرفه‌ای به آنها دست یابد. باید زیرک باشد، بتواند بداهه‌گویی کند، آنچنان استدلال بورزد و محکم سخن براند که مسیر پرونده و اداره جلسه را در دست گیرد. از فن بیان قوی برخوردار باشد و آن را در خود تقویت کند، در عین حال بلاغت و شیوایی و رسایی و احترام را در کلام خود محفوظ دارد. باید از زبان دست خود به درستی و به نحو مؤثر استفاده کند، گاهی حرکات دست و صورت حتی از زبان نیز تاثیرگذارترند. در نگاه به قاضی، طرف مقابل یا وکیل وی باید جانب احترام را نگه دارد و لبخند را بر لبان خود حفظ کند. با ظاهری مرتب و آراسته در محاکم حاضر شود. مستمعی دقیق و نکته‌دان و سخن‌سنج باشد.

بتواند از لابه‌لای سخنان طرف مقابل، آنچه را به نفع موکل است استخراج کند. قدرت به چالش کشیدن او را داشته باشد. باید روانشناسی قوی بوده و دروغ را با مهارت از راست تفکیک کند و به راحتی تحت تاثیر ظاهر فریبی مخاطب قرار نگیرد. «وکیل مدافع علاوه بر امکان اثرگذاری و قدرت انتقال حس و فکر خود به دادگاه، هیات منصفه، تماشایان، جامعه و حتی طرف دعوی، لازم است که از فن بلاغت یا آرایش کلام، برخوردار باشد. فن بلاغت مبتنی بر دانش و منطق و استدلال، زیبایی نگارش و بیان، تواناییته صدا، استفاده به موقع از حرکت دست و چهره و انتقال حس صمیمی در دفاع» مواردی هستند که برای یک دفاع مؤثر و قوی لازمند. برعکس تصور عوام از وکالت، در این حرفه به هیچ وجه با کسی سر ستیزه و جنگ نیست. هدف و نیت، فقط و فقط باید اجرای صحیح عدالت و احقاق حق فرد باشد. نیازی نیست لباس رزم بر تن کرده و فنون نبرد و تعرض و هجوم به مخاطب را بیاموزیم. می‌توان جلسات دادرسی را با کمال آرامش و ادب و متانت برگزار کرد. می‌توان به جای جنگیدن و به کار بردن الفاظ ناشایست و ناروا از الفاظ مؤدبانه و محترمانه که نشانه شخصیت وکیل است استفاده کرد، می‌توان به جای برخورد ناصحیح و ترش‌رویی و عصبانیت، به دلایل منطقی، مستدل و محکمه‌پسند روی آورد و جلسه رسیدگی را از میدان جنگ و نبرد، تبدیل به محفلی گرم و دوستانه کرد که طرفین در عین احترام به یکدیگر، از حقوق خود نیز مستدلاً دفاع می‌کنند. یک وکیل باید زمان و مکان دفاعیات خود را به درستی بشناسد. بداند «کجا باید فلان مطلب را گفت و کجا نباید گفت، کجا باید فلان مطلب را نوشت و در چه موقعیتی باید از نوشتن آن خودداری کرد». این فنون از پرونده‌ای به پرونده دیگر متفاوت است و بسته به موضوع، در اشکال مختلف بروز و ظهور پیدا می‌کند و نمی‌توان شیوه و قاعده‌ای کلی برای آن تعریف و ترسیم کرد. آنچه مهم است زیرکی و نکته‌سنجی وکیل است که بداند از هر چیزی در کجا و چطور و به چه روشی استفاده کند تا بیشترین و بهترین تاثیر را از خود بر جای گذارد. رعایت توازن بین تمامی این موارد که حتی گاهی با یکدیگر به شدت در تعارض و تناقض اند، کار سهل و ساده‌ای نیست، از این‌رو است که وکالت را به هنر تشبیه کرده و وکیل را نیز هنرمند خطاب کرده‌اند. در این راستا، فن دفاع همان چیزی است که از وکیل فردی هنرمند می‌سازد. هنرمندی که گرچه هنرش به صورت بصری و فیزیکی مجال ظهور نمی‌یابد ولی تبلور آن را به خوبی می‌توان در جلسات رسیدگی محاکم قضایی مشاهده کرد.

